

# یادداشت های گوناگون از منابع مختلف دربارهٔ نهضت جنگل

دکتر فریدون شایسته

ورود افراد با عقاید گوناگون به جنگل، ایدئولوژی جنگل را تحت تأثیر قرار می داد و اگر چه ایدئولوژی نهضت، مبنای سوسیالیستی داشت، گروه هایی که وارد نهضت شدند دارای عقاید گوناگون افراطی و تفریطی در مقابل این ایدئولوژی بودند. (فخرائی، ۱۳۶۸: ۵۲).

۲- انگلیسی ها برای جلوگیری از نفوذ بالشویسم و تخریب انقلاب جنگل و ایجاد نظریه های منفی در بین مردم، عوامل خود را وارد معرکه نموده و از آن ها بالشویک های دو آتشفشان می سازند که مرکز آن ها کمیته زرگنده است و توسط سید ضیاء هدایت می شوند. (فخرائی، ۲۳۳).

۳- میرزا نمی داند که حزب عدالت عامل اجرای سیاست های شوروی را در ایران دارد و خود سرانه تصمیم نمی گیرد. میرزا، باوری مثبت نسبت به همکاری روس ها با انقلاب دارد و به همین دلیل با آمدن عمو اوغلی به ایران موافقت می کند. (شعاعیان).

۴- با آمدن حیدر خان عمو اوغلی، وی رهبری کمونیست های ایرانی را به عهده گرفته و گروه تندرو حزب عدالت را با کمک لنین کنار می زند.

۵- بعد از برپائی کنگره ملل ستمدیده مشرق زمین در باکو و شکایت میرزا از رفتار حزب عدالت، حیدر خان عمو اوغلی وارد نهضت جنگل شد.

۶- رفتار جمهوری اول (حزب عدالت) موجب گردید که مردم رشت دست به مهاجرت بزنند شوروی فهمید که پایگاه مردمی حزب در گیلان رو به نابودی است.

۷- روس ها با آوردن حیدر خان عمو اوغلی سعی داشتند که برای ایجاد تشتت و تفرقه و مهار نهضت جنگل، فرد با نفوذی را (حیدر خان) در مقابل میرزا قرار دهند.

۸- پس از انتخاب حیدر خان به عنوان دبیر اول کمیته مرکزی جدید حزب و عضو تبلیغات حزب او با یک کشتی اسلحه و مهمات و نفرت از شوروی به ایران آمد.

۹- با ورود حیدر خان، کمیته انقلابی ایران ایجاد می شود که میرزا، حیدر خان، احسان الله خان، خالو قربان و میرزا محمدی انشائی در آن حضور داشتند و در کمیته بعدی، جای احسان الله را سرخوش می گیرد.

۱۰- پس از ایجاد کمیته دوم و حذف احسان الله خان از کمیته، در گیلان، حکومت شورایی اعلام شد.

۱۱- جهت جلوگیری از پیشروی قوای قزاق، لازم بود که میرزا دست اتحاد نیروهای کمونیست را بفشرد و چنین کرد. (میرزا اسماعیل جنگلی، ۲۱۵).

۱۲- در کمیته انقلابی ایران که با ورود حیدر خان عمو اوغلی و جعفر پیشه وری صورت گرفت، ۳ نکته قابل مطالعه است. ۱- بر کنار بودن احسان الله خان از تمام مسئولیت های درجه اول. ۲- خارج کردن کمیسری جنگ از دست میرزا و دادن مسئولیت کمیسری مالیه به او. ۳- نامساوی بودن وضع میرزا با سایرین. (شعاعیان، ۱۳۴۹: ۳۵۰).

۱۳- گروه های تندروی حزبی از اتحاد میرزا و حیدر خان ناراضی بودند تا آن جا که حتی گویا تصمیم به ترور حیدر خان گرفته می شود و حداقل او تحت سانسور قرار می گیرد. (رائین، حیدرخان عمو اوغلی، جلد ۲، ص ۱۵۷ به نقل از علی شمیده، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیق رائین، ۱۳۵۲).

۱۴- دولتیان به رهبری سید ضیاء نیز تلاش هائی را برای ایجاد اختلاف بین کمیته انقلابی آغاز کرده بودند سعی سید ضیا برای مذاکره با میرزا و ترور میرزا توسط افرادی که فرستاده شده بودند و مسأله انعقاد قراردادها و وضع جهانی و فشار بر نیروهای دولتی روس و انگلیس برای خروج از ایران همه باعث فرو پاشی جبهه متحد گیلان گردید که در واقع تلاشی بود جهت خنثی ساختن حرکت و توسعه انقلاب که پس از ورود عمو اوغلی آغاز شده بود. (فخرائی، ۳۳۶ و مکی: ۳۱، ج ۱).

۱۴- در روز ۱۴ اوت ۱۹۲۱ میلادی، حزب کمونیست در گیلان اعلام جدائی کرده و گیلان را یک جمهوری شورائی نامیده بود. (گرانوسکی: ۴۳۹)

(گرانوسکی، آ.ا. و دیگران، تاریخ ایران باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، انتشارات پویش، تهران، ۱۳۶۱).

۱۵- در اغلب منابع کمونیستی چنین وانمود شده است که میرزا به دلیل ترس از نفوذ کمونیسم، با عمال شاه مذاکره نمود و به نهضت خیانت کرده و باعث قتل عمو اوغلی شده است. (گرانوسکی، تاریخ ایران، ص ۴۳۱).

۱۶- ملیکف معتقد است میرزا به شرط تسلیم شدن، حاکم گیلان شد و نیروهای کمونیست را تار و مار کرد. (میکف، استقرار دیکتاتوری رضا خان در ایران، ص ۵۱) (ملیکف.ا.س. استقرار دیکتاتوری رضا خان در ایران، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، تهران، ۱۳۵۸).

۱۷- میرزا نمی خواست انقلاب جنگل، رنگی جز رنگ ایرانی داشته باشد، ولی مقامات شوروی برای توسعه مناسبات با دولت مرکزی ایران و انعقاد پیمان ۱۹۲۱ ایران و روسیه، می خواستند انقلاب جنگل از بین برود ولی برای حفظ حیثیت خود می خواستند طوری عمل کنند که باعث رمیدن آزادیخواهان نامدار نشوند. (جنگلی، قیام جنگل: ۲۲۱).

۱۸- احسان طبری در کتاب کژ راهه یاد آور می شود. شوروی با ایفای نقش تخریبی در جنبش گیلان سعی می کرد تا هم میرزا را منزوی سازد و هم با تغییر سیاست خود، موجب تغییر سیاست حزب کمونیست در ایران گردد. (طبری، کژ راهه، ۱۳۷۳، امیر کبیر) ← ص ۱۸.

۱۹- میرزا به نمایندگان شوروی در جنگل گوشزد کرده بود که برای خروج قوای بریتانیا، لازم است آن ها قوای خود را از شمال و از گیلان، خارج نمایند، این امر را روتشتین اجباری می داند که بر مبنای قرارداد ۱۹۲۱، اجرای آن الزامی است. (جنگلی، قیام جنگل، ۲۲۵).

۲۰- حیدر خان در همراهی با روتشتین، قصد داشته تا دسته های گوناگون جنگل را برای تسلیم به قوای دولتی یا خروج از ایران وادار سازد. در این راه حتی رکاجف همراه با قوای دولت به گیلان آمد و سعی کرد تا این سیاست را پیش ببرد که در نتیجه رشید الممالک از کسانی بود که فریب این سیاست را خورد. (قیام جنگل، جنگلی: ۲۳۵).

۲۱- اسماعیل راین معتقد است میرزا و روتشتین اعتقاد داشتند که انگلیسی ها در انقلاب جنگل نفوذ کرده اند و قصد ایجاد اختلاف بین قوای جنگل را دارند ولی هیچ کدام سعی نکردند این عوامل را شناسایی و معرفی نمایند و نتیجه این شد که گروهی فکر کنند این عناصر میرزا را علیه حیدرخان انجام داد. این مطلب در حالی گفته می شود که خود میرزا از نفوذ این عناصر آگاه است و آن که این گروه ها را نمی شناسد. گروه انقلابیونی هستن که در رشت حکومت می کنند. (حیدر خان عمو اوغلی، ج ۲، ص ۱۸۷).

۲۲- ملک رضا زاده، در کتاب چکیده انقلاب حیدرخان عمو اوغلی، تهران، انتشارات روز به، چاپ ۱۳۵۱، می گوید مدارک و شواهد حاکی از حرکت حیدرخان برای نابودی میرزا است. (صص ۲۵۸-۲۵۶).

۲۳- حزب کمونیست مخلوق ایران نبود و مقدمه و اساس آن در شوروی پی ریزی شده و مطابق نظر سلطان زاده، دستوره های کمینترن را مو به به مو اجرا می کرده است. (رواسانی، ۱۳۶۳: ۱۳۲/۱۲۸).

۲۴- اسماعیل راین به طور پراکنده از اقدامات حیدر خان علیه میرزا سخن می گوید و وابستگی حیدر خان را به شوروی فاش می کند. مطابق کتاب راین در گزارش وابسته نظامی سفارت انگلیس به وزیر مختار این کشور در تهران، حیدر خان و فردی به نام فورموف از طرف حکومت مسکو به ایران فرستاده می شوند و پس از جلب اعتماد کوچک خان سعی می کنند تا ترتیبی بدهند که کوچک خان به قتل برسد و خطر وی در آینده از بین برود، زیرا کوچک خان به خاطر احساسات ناسیونالیستی با شوروی همکاری نمی کنند هنگامی که حیدر خان، نامه ای به فورموف جهت قتل میرزا می نویسد، نامه به دست میرزا افتاده و او سعی می کند

که پیش دستی کرده، حیدر خان را به گلوله بسته و فورمف را به جنگلی های روس می سپارد تا او را تیر باران کنند. (رائین، جلد ۲، ص ۲۶).

۲۵- رائین احتمال می دهد که گروه تندرو حزب به قتل حیدر خان اقدام کرده اند. (رائین، عمو اوغلی، جلد اول، ص ۲۳۸).

۲۶- گروه تندرو کمونیست های رشت به رهبری ابوکوف به چند دلیل از حیدرخان واهمه داشت یکی این که حیدر خان با قدرت رهبری همه را کنار گذاشته و باعث شکست گروه تندرو گردد و دیگر این که میرزا و رضا خان سازش نمایند. بدین گونه نقشه ترور حیدر خان را در سر می پروراندند. (رائین، جلد اول، ص ۲۳۹).

۲۷- واقعه ملا سرا در ۶ مهر ۱۳۰۰ / ۲۶ محرم ۱۳۴۰ هـ ق / ۲۱ سپتامبر ۱۹۲۱ میلادی رخ داد.

۲۸- دکتر حشمت در تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۲۹۸ خورشیدی تسلیم قوای دولتی شد و در تاریخ ۲۲ اردیبهشت در قرق کارگذاری به دار آویخته شد.

۲۶-۲۹ اردیبهشت ۱۲۹۹ خورشیدی نیروهای نظامی بلشویکها، انزلی و غازیان را زیر آتش توپخانه قراردادند. در ۲۸ اردیبهشت در انزلی پیاده شدند و آن جا را از وجود روس های سفید پاک کردند و تمامی ناوگان اینکن شامل ۱۰ رزمناو و ۷ کشتی کمکی و مقادیر زیادی تدارکات نظامی به دست بلشویک ها افتاد.

۳۰- زینویف در کنگره ملل ستمدیده مشرق زمین در باکو ۱۹۲۰ م، گفته بود: کمینترن، فقط می تواند از فعالیت های اصیل کمونیستی حمایت کند و بایستی هر حرکتی را که رنگ ناسیونالیستی محض دارد، طرد کند. (ذبیح، ۱۳۶۴: ۶۸).

۳۱- حیدر خان اگر چه پس از پایان جنگ جهانی در باکو زندگی می کرد، لیکن، پس از کنگره ملل شرق در باکو و در اواخر عمر خویش، به نهضت گیلان پیوست. (همان: ۶۹).

۳۲- شخصیت بلند پایه ای چون: چیچرین، نظریه جدید کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در زمینه انقلاب کمونیستی در این کشور را این گونه تفسیر می کرد که ایران باید مرحله بورژوازی (سرمایه داری) را پشت سر بگذارد، به عبارت دیگر، نظریه جدید موجب خاتمه دادن به سیاست استقرار رژیم کمونیستی در ایران می گردید. بدین سان، تلاشی که به صورت تشکیل دولت شورائی گیلان آغاز شده بود، می بایست به سود دیپلماسی متعارف روسیه بلشویک، کنار گذارده شود. (ذبیح، ۱۳۶۴: ۷۱).

۳۳- میرزا احمد مدنی، در خاطرات خود آورده است: ..... برای این که بتوانم ریشه فساد را از بیخ و بن بر کنم و قوای کامله ای از آزادی خواهان تهیه کرده باشم به بادکوبه رفتم. مرحوم حیدر عمو اوغلی را تشویق و تحریض نمودم که به ایران بیاید و با سران آزادی خواهان مذاکره کردم. بالنتیجه قوای بزرگی به سرپرستی مرحوم حیدر عمو اوغلی به طرف انزلی حرکت کردند. (روزنامه پرورش، سال ۲۰، دوره ۳، شماره ۴، شنبه ۲۸ آبان ۱۳۲۲، صص ۱-۲).

کمیته آهن! محل انعقاد جلسات این کمیته در ولی آباد و منزل آبکار ارمنی بوده است. ریاست این کمیته را سید ضیاء الدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد عهده دار بوده است کسانی که در کمیته نامبرده عضویت داشته اند عبارتند از : ۱- پیکان ارمنی ۲- ابکار ارمنی ۳- ماژور اسفندیار خان ۴- عدل الملک دادگر (این شخص در دوره دیکتاتوری چند دوره ریاست مجلس شورای ملی را عهده دار بوده است). ۵- سلطان محمد خان عامری. ۶- میر موسی خان ۷- میرزا کریم خان رشتی ۸- ماژور مسعود خان کیهان ۹- معزز الدوله ۱۰- غفارخان سالار منصور قزوینی ۱۱- کلنل کاظم خان ۱۲- دکتر منوچهر خان ۱۳- سلطان اسکندر خان ۱۴- منصور السلطنه (ص ۱۹۵).

عباس اسکندری نماینده همدان در دوره ۱۵ تقنینیه، هنگامی که با کابینه حکیمی که محمود جم سیمت وزیر جنگ معرفی شده مخالفت می کند، در جلسه رسمی درباره کمیته آهن چنین گفته است: آقایان نمایندگان! آقای محمود جم یکی از ۱۱ نفر عضو کمیته آهن هستند که در این مملکت کودتا کردند، این کمیته ۸ نفر. من سندش را نشان می دهم. این کمیته ۸ نفر عضو ایرانی و ۳ نفر هم عضو خارجی داشت، ژنرال آبرون سایید، کلنل اسمایس و سیر والد اسمارت، این ۳ عضو خارجه کمیته آهن بودند و ۸ نفر، عضو داخلی کمیته ایرانی بودند. (ص ۱۹۶).

(تاریخ بیست ساله ایران، جلد اول، کودتای ۱۲۹۹، حسین مکی، ۱۳۷۴، انتشارات علمی).

۳۴- در زمان حاکمیت روسیه تزاری، قونسول روسیه در رشت ژنرال افسینکو بود که پس از اطلاع از هسته تشکیلاتی نهضت جنگل، عده ای از قزاقان ایرانی و روسی را به ریاست کاپیتان محمود خان متین (رئیس نظمیة رشت) و ژنرال با غرانف (نماینده قونسول گری روس) برای سرکوب نهضت جنگل تدارک دید.

۳۵- در ۳۰ مرداد ۱۲۹۴ خورشیدی، جنگلی ها پادگان نیروهای تزاری روس را در خمام، سنگر مورد حملات شبانه قرار دادند و قزاق ها را خلع سلاح می کردند.

۳۶- روس ها ساکن در رشت، پس از حمله به شهرداری عثمانی در رشت، اسناد نوشته ها و بایگانی های آن ها را به غارت برده و دو تن از اعضای شهرداری عثمانی را به روسیه اعزام نمودند.

۳۷- در ۲ مهر ۱۳۹۴ خورشیدی، در جنگ ۱۵ ساعته بین نیروهای جنگل و روسیه در منطقه ماکلوان فومن، در نهایت جنگلی ها پیروز شدند.

۳۸- در ۱۹ مهر ۱۳۹۴ خ، عبدالرزاق شفتی از طرف قونسول روس مأموریت یافت تا با ۲۰۰ نفر جنگلی ها را قلع و قمع کند. کوچک خان به همراه ۲۰۰ نفر شبانه در محل دافسار بر سر آن ها ریخته و مقدراری اسلحه به دست جنگلی ها افتاد.

۳۹- محمد خان سالار شجاع، برادر امیر مقتدر به نبرد با جنگلی ها پرداختند و جنگلی ها آن ها را که در ماسوله بودند، فراری داده و ماسوله، مقر جنگلی ها شد. (۱۹ مهر ۱۳۹۴ خ)

۴۰- در ۲۷ مهر ۱۲۹۴ خ، وزارت خارجه ایران، مراتب اعتراض خود را نسبت به سوء رفتار نظامیان روسیه تزاری در گیلان به سفارت آن ها ابلاغ کرد.

۴۱- در ۴ آبان ۱۲۹۴ خ، سپاه روسیه تحت فرماندهی ژنرال بارائف وارد انزلی شد.

۴۲- در ۱۶ آبان ۱۲۹۴ خ، قزوین به تصرف نیروهای روسیه در آمد. (۱۹۱۵ میلادی)

۴۳-۲۳ آبان ۱۲۹۴ خ، مجلس شورای ملی بر اثر تجاوز قوای روس و مهاجرت بسیاری از نمایندگان به قم، به تعطیلی گرایید.

۴۴- در ۱۷ و ۲۶ آذر سال ۱۲۹۴ خ، قم و ساوه، توسط قوای روسیه تصرف شد.

۴۵- قوای روسیه با ظرفیت ۳۵۰۰ نفر به ماسوله مقر جنگلی ها در نیمه بهمن ۱۳۹۴ حمله کردند، ماسوله، فومن، کسما و صومعه سرا به تصرف قزاق ها درآمد. لیکن با ۲۰ روز توقف در آن حدود نتوانستند به جنگلی ها دست بیابند.

۴۶- در ۴ اسفند ۱۲۹۴ خ (۱۳۳۴ ق)، کرمانشاه به تصرف قوای روس در آمد.

۴۷- در ۱۰ اسفند ۱۲۹۴ خ، فرمانفرما در نتیجه مداخلات غیر اصولی روسیه در خاک ایران، از ریاست الوزرائی استعفا کرد.

۴۸- محمد ولی خان تنکابنی در نیمه اسفند ۱۲۹۴ خورشیدی، تصمیم به قلع و قمع جنگلی ها بر اساس فشار روس ها گرفت.

۴۹- در ۲۸ اسفند ۱۲۹۴ خ، روس ها اصفهان را هم اشغال کردند.

۵۰- در اوایل اردیبهشت ۱۲۹۵ خ، روس ها در رشت به آدمکشی، غارت و یغما زدند.

۵۱- حشمت الدوله و الاتبار، میرزا صالح خان آصف الدوله، مفاخر الدوله

۵۲- ۲۳ آبان ۱۲۹۵ خ، مفاخر الملک (رئیس نظمیہ گیلان و کفیل حکومت) که از عوامل قونسول‌گری روسیه در رشت بود به دستور "بلوم"، قونسول روس با ۳۰۰ نفر نیرو برای قلع و قمع جنگلی‌ها، عازم کسما شد.

۵۳- در زمان هجوم مفاخر الملک به کسما، آصف الدوله حکمران گیلان بود.

۵۴- در اوایل آذر ۱۳۹۵ خ، به خواست سفارت روس حاج مفاخر الدوله نبوی جایگزین آصف الدوله شد.

۵۵- در تیر ۱۲۹۶ خورشیدی، موسیو بلوم قونسول رشت که روسی بود از کار کناره‌گیری کرد.

۵۶- در ۲۵ اسفند ۱۲۹۵ خورشیدی / ۱۵ مارس ۱۹۱۷ م، نیکلای دوم، امپراطور روسیه از سلطنت کناره‌گیری کرد.

۵۷- در ۱ تیر ۱۲۹۶ خورشیدی، کرنسکی به جای پرنس لووف، ریاست دولت موقت روسیه را بر عهده گرفت.

۵۸- در ۳۰ تیر ۱۲۹۶ خ، وزارت خارجه ایران، طی نامه‌ای، خواهان خروج قویا روس از ایران شد.

۵۹- در ۱۵ آبان ۱۲۹۶ خ، در روسیه، حکومت بلشویکی روی کار آمد. (۲۶ محرم ۱۳۳۶ هـ.ق).

۶۰- ۲۱ آذر سال ۱۲۹۷ خورشیدی، لنین، رئیس حکومت بلشویکی روسیه پس از متارکه‌ی جنگ بین روس، آلمان و عثمانی، کلیه عهد نامه‌های سیرری راجع به تقسیم ایران را لغو و اعلام کرد قشون روس به زودی از ایران خارج می‌شود. (۱۲ دسامبر ۱۹۱۷ م).

۶۱- ۲۳ دی ۱۲۹۷ خ، سردار محیی و سردار اسعد به اتفاق جهت ملاقات با هیأت اتحاد اسلام به کسما رفتند.

۶۲- مسیو براوین، قونسول حکومت سابق روسیه تزاری در خوی، در ۲۹ دی ۱۲۹۷ خ، سفیر کبیر حکومت بلشویکی روسیه شد وارد تهران گردید. وی در ۸ بهمن، اعلام کرد که دولت انقلاب حاضر است قرارداد شرافتمندانه‌ای با حکومت ایران منعقد کند.



۶۳- در ۱۳ تیر ۱۲۹۸ خورشیدی، کولومتیف، دومین سفیر کبیر شوروی وارد تهران شد ولی از طرف دولت و ثوق الدوله، به رسمیت شناخته نشد. (۲۶ جون ۱۹۱۹ م).

۶۴- در ۳ شهریور ۱۲۹۸ خ، کولومتیف، که برای دومین بار به عنوان نماینده اعزامی دولت بلشویکی عازم تهران بود، در مرز ایران توسط انگلیسی ها و قزاق دستگیر، شکنجه و تیر باران شد.

۶۵- در ۳۱ اردیبهشت ۱۲۹۹ خورشیدی / ۲۳ مه ۱۹۲۰ میلادی، کمیسر خارجه شوروی (چیچرین)، در پاسخ به نامه اعتراضی دولت ایران، اقدامات دریا سالار راسکولنیکف را بدون اجازه حکومت شوروی و ابتکار شخصی اعلام کرد ولی از سوی دیگر، کاراخان معاون او طی تلگرافی به راسکولنیکوف، نظر موافق خود را در خصوص تشکیل یک حکومت ساویتی در گیلان به وی اعلام کرد. (ص ۵۷: گاه شمار نهضت جنگل (۱۳۰۰-۱۲۹۴)، هومن یوسفدهی، فرهنگ ایلیا، چاپ ۱۳۹۳).

۶۶- در ۲ تیر ۱۲۹۹ خورشیدی، حزب کمونیست ایران به نام حزب عدالت در انزلی تأسیس شد. اعضای کمیته مرکزی آن: آبوکف، همسرش بولله، اسدالله غفارزاده زاخاریان، علیزاده، آقاییف، امیر زاده و موسوی بودند. رسانه رسمی آنان به نام کامونیست و به مدیریت سید جعفر جواد زاده خلخالی (پیشه وری) منتشر شد. (۲۳ ژوئن ۱۹۲۰ میلادی برابر با ۶ شوال ۱۳۳۸ هجری قمری). (ص ۶۱ یوسفدهی).

در مدرکی تحت عنوان: نوع تبلیغاتی که باید در ایران صورت گیرد و در مجله روسی زندگی ناسیونالستی در بهار ۱۹۱۹ میلادی به چاپ رسید، استدلال شده بود که اهمیت رهبران جنگل، به لحاظ مبارزه مسلحانه یا مخالفت شان با بریتانیا نیست، بلکه این اهمیت ناشی از امکان استفاده از این نهضت برای تبلیغات انقلابی در سراسر ایران است. در واقع، کوچک خان یک محرک سیاسی مهم به شمار می آمد. که حتی پیش از ورود نیروهای انگلیسی به گیلان، شعارهای سوسیالیستی می داد. (ص ۴۱).

به زعم بلشویک ها، کوچک خان بذری بود که کاشتن دقیق و استادانه آن می توانست احتمالاً یک محصول حزب از روحیه انقلابی را در بین خلق های ایران به بار آورد. (ص ۴۱).

حزب عدالت که از سوی کارگران ایرانی و آذربایجانی و ساکنان باکو به عنوان نخستین تلاش برای ایجاد یک حزب سیاسی بر مبنای اصول مارکسیستی صورت گرفت، در هنگام بروز انقلاب روسیه این گروه از ۶ هزار نفر تشکیل می شد که در قفقاز و ترکستان به سر می بردند. (ص ۴۴).

کمیته عدالت چند روز پس از تصرف کنسولگری ایران در باکو در آوریل ۱۹۱۸، هیأتی را به ریاست غفار زاده رئیس کمیته به ایران فرستاد تا با میرزا کوچک رهبر نهضت جنگل تماس بگیرد غفار زاده از طریق

آستارا وارد ایران شد و در راه بندر انزلی بود که به دست یکی از مخالفان خود که از باکو او را تعقیب می کرد، کشته شد. (ص ۴۵).

در دوران حکومت بلشویکی، استپان شائومیان، در آذربایجان شوروی، کمیته عدالت توانست یک نیروی ۴۰۰۰ نفری را تدارک ببیند. آنان به تدریج دو روزنامه: بیرق عدالت و حریت را بنا گذاشتند. (ص ۴۵).

جانشین غفار زاده در کمیته عدالت، پیشه وری بود. او و برادران آقاییوف، به عنوان پیشتازان کمونیست های محلی پیش از یورش ارتش سرخ به ایران وارد شدند. (ص ۴۵).

قیام گیلان به کمونیست ها فرمت واقعی را عرضه کرد تا برای نخستین بار نظریه انقلاب را در کشورهای تحت استعمار و نیمه مستعمره شرق بیازمایند. (ص ۴۶).

بنا به اصرار کوچک خان، مذاکراتی در بندر انزلی در ۲۰ ماه مه ۱۹۲۰ (۳۰ اردیبهشت ۱۲۹۹) با بلشویک ها انجام شد و کوچک خان از بلشویک ها قول گرفت که در امور داخلی نهضت دخالت نکنند. (ص ۵۶).

هیأت ایرانی شرکت کننده درکنگره ملت های شرق در باکو (سپتامبر ۱۹۲۰)، ۱۹۲ نفر بودند. حیدر خان عمو اوغلی یکی از ۳ عضو شرکت کننده، یک رهبر صرفاً ناسیونالیست بود که در شرف پذیرفتن کمونیسم به عنوان یک ضرورت و نه یک اعتقاد خالصانه قرار داشت وی از جامعه ای بدون طبقات سخن می گفت که بایستی متکی بر ارتش شوروی برای پایداری در برابر خصومت غرب باشد. او معتقد بود که فقط دیکتاتوری پرولتاریا می تواند بشریت را از سالوس دموکراسی بورژوازی رهائی بخشد، که بنا به گفته لنین، این دموکراسی تنها از آن ثروتمندان بود، در حالی که دیکتاتوری پرولتاریا در واقع دموکراسی بینوایان به شمار می رفت. (ص ۶۷).

(تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، سپهر ذبیح، محمد رفیعی مهر آبادی، تهران، انتشارات عطائی، چاپ ۱۳۶۴).

چیچرین (کمیسر امور خارجه) شوروی (ص ۷۲) کارا خان (معاون کمیسر خارجه دولتی شوروی) (ص ۸۰) دکتر حشمت نیز خواست با مجاهدین خود تسلیم نیروی دولت مرکزی شود. وقتی از ستاد قزاق ها مبلغی دریافت نمود تا بقیه حقوق مجاهدین را پردازد و بعد تسلیم شوند. (ص ۱۰۸).

اطرافیان میرزا کوچک نیز گاهی بین دوستان و نزدیکان می گفتند که میرزا بر خلاف تمایلات خود، شرایط روس ها را قبول کرده است و امیدوار است لنین را راضی کند که در ایران عقاید سوسیالیستی را منتشر نسازند. (ص ۱۱۷).

روزی مرحوم حسین خان کسمائی که یکی از شهیرترین پیشوایان انقلاب مشروطه بود، عده ای از دوستانش را در منزل خود جمع کرد. من هم یکی از دعوت شدگان بودم. پس از صرف چایی، مشارالیه نطق مفصلی دربارهٔ اوضاع سیاسی و اقتصادی و تجارتي گیلان و ضعف دولت میرزا کوچک و عملیات و تبلیغات اشتراکیون نموده و پیشنهاد کرد که برای تقویت دولت میرزا کوچک و جلوگیری از ازدیاد نفوذ اشتراکیون، شعبه حزب دموکرات ایران را تشکیل داده و وارد کار زار سیاسی بشویم. (ص ۳۷).

عمده ترین سبب اختلافات، آرزوی اشتراکیون به تبلیغ عقاید اشتراکی و حاضر کردن افکار عامه برای اجرای مرام بلشویکی در ایران و ضدیت میرزا کوچک با این مرام بود. فی الحقیقه به سال ۱۲۹۹ خورشیدی بر اثر مقدماتی که تهیه شده بود به پیشنهاد میرزا کریم رشتی، رئیس الوزرای فتح الله خان اکبر، سپهدار رشتی مناصب تشخیص داده شد. (ص ۳۶۷).

(جهانگیر سرتیپ پور، نام ها و نامدارهای گیلان، رشت، نشر گیلکان، ۱۳۷۰).

سردار محیی، یکی از سرکردگان انقلاب مشروطه و دوستانش که با کمیته اتحاد اسلام جنگلی ها مخالف بودند از اوضاع ولایت و حالت روحی مردم استفاده کرده و تشکیلات مخفی ایجاد کرده بودند و در منزل سردار محیی تشکیل جلسه می دادند و منتظر رفتن انگلیسی ها بودند که عملیات انقلابی خود را شروع نمایند و چون اتحاد اسلام سابقه و تشکیلات و نیروی مسلح خود را داشت این عده یعنی سردار محیی و دوستانش امیدوار بودند که به همراهی انقلابیون روس خواهند توانست در گیلان نفوذی تحصیل کرده و ریاست انقلابی را از میرزا کوچک خان بگیرند و خودشان پیشوای انقلاب گردند. (ص ۵-۵۴).

(گریگور یفکیان، شوروی و جنبش جنگل، یادداشت های یک شاهد عینی، به کوشش برزویه دهگان، تهران، نشر اختران، چاپ اول ۱۳۸۶).

سردار محیی نمایندگان خود را برای ملاقات و مذاکرات با سرکردگان لشکریان انقلابی روس به آستارا فرستاده بود و نمایندگانی نیز قبل از ورود بلشویک ها به بادکوبه به آن شهر اعزام داشته بود که با حزب کمونیست آذربایجان تماس بگیرند. ولی حضور عدالتچی ها، کمونیست های ایرانی، سبب عدم موفقیت نمایندگان سردار نامبرده شد. (همان: ۶۰).